**در ششمین نشست «سینما رو به آینده» مطرح شد؛**

**تاثیر پلتفرم‌ها روی سینما چیست؟/ ابوالحسن داودی: آینده سینمای ایران متعلق به سینمای زیرزمینی است**

به گزارش..، ششمین نشست «سینما رو به آینده» به همت سازمان سینمایی سوره و به میزبانی امیر قادری، روز شنبه یکم دی ماه با حضور ابوالحسن داودی، اکبر نبوی و محمد حمزه‌ای در پردیس سینمایی آزادی برگزار شد.

امیر قادری میزبان برنامه ابتدا عنوان کرد: در جلسات گذشته آقای مسعود اطیابی این ایده جالب را مطرح کرد که آینده سینمای ایران نه کارگردان محوری خواهد بود و نه ستاره سالاری؛ آینده سینمای ایران کمپانی‌محور خواهد بود. من از آقای ابوالحسن داووی می‌خواهم که بحث را از اینجا شروع کنند.

ابوالحسن داودی بیان کرد: ما در ابتدا باید مشخص کنیم که تعریفمان از کمپانی چیست. ما حتی اگر کمپانی را سرمایه تعریف کنیم، باز هم سرمایه جوانب و حواشی خاص خودش را دارد. با این حال اگر کمپانی را با تعریف استاندارد جهانی‌اش بشناسیم، باید بگوییم که ما در ایران فاقد کمپانی هستیم. با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در کشور داریم، در آینده نزدیک هم امکان به وجود آمدن کمپانی به معنای درست را نداریم.

وی درباره کمپانی فیلم‌های کمدی که در حال حاضر مشغول به کار هستند، گفت: آن‌ها مراجع سرمایه‌گذاری در سینما هستند که اگر بخواهیم آن‌ها را بررسی کنیم، ممکن است به مناطق مبهم‌تر و تیره‌تری برویم. آن‌ها به هیچ وجه کمپانی نیستند چراکه کمپانی در وهله اول سینما را به شکل صنعت می‌شناسد نه به شکل وسیله و ابزار سودآوری. در کمپانی همه جوانب اعم از تجهیزات، استودیوها، امکانات تولیدی و ... را با هم داریم . شایان ذکر است که همه کمپانی‌ها نقشه راه چند ساله دارند. در کمپانی‌هایی استاندارد جهانی برخلاف ایران که مبنای تولیدشان ساخت سالانه 2 فیلم پرفروش است؛ آن‌ها سالانه ۵۰ فیلم تولید می‌کنند که شاید ۵ فیلم در میان آن‌ها در بازار داخلی و جهانی دیده شود، اما همان ۵ فیلم به قدری قوی است که ۴۵ فیلم دیگر را پوشش می‌دهد. این باعث می‌شود کمپانی علاوه بر سودآوری برای آینده‌اش برنامه‌ریزی داشته باشد.

این فیلمساز افزود: متاسفانه تعریف دوستان از کمپانی، سرمایه‌هایی‌ست که حتی ممکن است به سود نرسند. گاهی اوقات این سوال پیش می‌آید که اگر این کمپانی‌ها به سود نمی‌رسند، پس چگونه ادامه می‌دهند؟ مگر اینکه با دلایل دیگری وارد این عرصه شده باشند. با توجه به شرایط حال حاضر سینما ۹۰ درصد تولیدات به سود نمی‌رسند.

**هوش مصنوعی سینما را از بین نخواهد برد اما روی آن تاثیر می‌گذارد**

در ادامه این نشست، اکبر نبوی اظهار کرد: تجربه نشان می‌دهد که فرهنگ رفتاری ما ایرانیان به این شکل است که سود خودمان را در سود جمع تعریف نمی‌کنیم، در نتیجه کمپانی در مفهوم درست خودش شکل نمی‌گیرد. من معتقدم در ۱۰سال آینده سینما وضع امروز خودش را نخواهد داشت و کمپانی‌ها برای سینما فیلم تولید نخواهند کرد و ممکن است فعالیتشان را در فضای مجازی و پلتفرم‌ها ادامه دهند؛ هر چند این امکان وجود دارد که ظاهر پلتفرم‌ها هم تغییر کند. سینمای آینده ایران و جهان این سینمای امروز نخواهد بود و تغییراتی شگفت در بهره‌برداری محصولات صوتی و تصویری به وجود خواهد آمد و این تغییراتی نیست که ارزش‌گذاری شود.

وی ادامه داد: من معتقدم سینما در آینده تقریبا به آن چیزی تبدیل خواهد شد که در سالن به نمایش درمی‌آید و مجموعه‌ای از آثار خاص مانند اپرا خواهد بود. درواقع سینما باید کیفیت خاص خودش را داشته باشد تا به سالن سینما برسد. به نظر من هوش مصنوعی توانسته تاریخ بشر را به قبل و بعد از خود تقسیم کند و همین میزان تقاضای سینما در آینده بیش از پیش خواهد شد. هوش مصنوعی سینما را از بین نخواهد برد اما به شدت روی آن تاثیر می‌گذارد. برای همین فکر می‌کنم ما کمپانی در سینما نخواهیم داشت؛ مگر اینکه فرهنگمان اصلاح شود و سودمان را در سود جمع ببینیم.

در ادامه محمد حمزه‌ای دیگر مهمان این نشست خاطرنشان کرد: من اعتقاد راسخ دارم که طی ۱۰ ساله آینده ما قطعا سینمای کنونی را نخواهیم داشت. در واقع ماهیت سینمایی که ما دوستش داریم از بین نمی‌رود اما تغییر شکل می‌دهد؛ درست مانند رسانه. به همین دلیل تصور می‌کنم که کمپانی در آینده معنایی نخواهد داشت؛ آنچه که می‌تواند در آینده تاثیرگذار باشد، اندیشه است و اندیشه شکل دیگری برای ارایه پیدا خواهد کرد.

وی درباره افزایش استقبال از سینما در سال‌های اخیر تصریح کرد: من اعتقاد ندارم که سینمای ایران مورد استقبال مخاطب قرار گرفته است. سینمای ایران حالت سینوسی دارد و به نظر می‌رسد بعد از مدتی فیلم‌های کمدی علیه خودشان اقدام می‌کنند؛ در نتیجه این جریان هم می‌خوابد و تصور نمی‌کنم تماشاگر قابل توجهی به سمت تولیدات سینمای ایران آمده باشد.

**گران شدن فیلمسازی به نهادهای دولتی و سرمایه‌شان‌ برمی‌گردد**

قادری یادآور شد: در سال‌های گذشته که سینمای کمدی به اصطلاح مُد نبود ابوالحسن داودی چند فیلم موفق در این ژانر ساخت که یکی از آن‌ها «نان، عشق، موتور 1000» است. آقای داوودی نظر شما درباره اقبال سینمای ایران در کمدی چیست؟ ممکن است عده‌ای معتقد باشند که این الگوی حال حاضر سینمای ایران می‌تواند برخی از این آسیب‌ها را حل کند.

داودی عنوان کرد: این اقبال از سینمای کمدی زمینه‌های مختلفی دارد و بخشی از این اقبال به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه باز می‌گردد. حتی در تاریخ سینمای آمریکا موفق‌ترین فیلم‌های موزیکال در دهه ۳۰ بوده است که مردم در بدبخت‌ترین حالت بودند. شکل تولیدات آن زمان آمریکا بسیار شبیه به حال حاضر ایران است و این نوع کمدی ساختن هم مطلوب سرمایه‌گذار است که از میان برترین راه به سود برسد. نگاه دولت‌ها در دو دهه گذشته به سینمای ایران طوری است که حاکمیت عنصر مزاحمت سینما را بیشتر از عنصر سرگرمی می‌داند. آن‌ها معتقدند که سینما باید کنترل نهادی شود و شرایط سانسور زیرپوستی و پنهانی شده است. چیزی که سینما را محدود می‌کند این است که تولید از حالت عادی گران‌تر شود. من این گران شدن فیلمسازی را برنامه‌ریزی شده می‌دانم و معتقدم ریشه آن به نهادهای دولتی و سرمایه‌ آن‌ها برمی‌گردد.

وی ادامه داد: سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب برای خود داشته‌ها و دارایی‌هایی دارد که به مرور و به زحمت جمع‌آوری کرده اما چیزی که دولت‌ها به راحتی می‌توانند آن را تحت‌الشعاع قرار دهند این است که دسترسی به همین داشته‌ها را سخت‌تر کنند. برای همین تولیدات کمتر می‌شود و هزینه بالا می‌رود و طبیعتا منی که سی سال گذشته با سرمایه شخصی می‌توانستم فیلم بسازم الان دیگر قادر به چنین کاری نیستم. وقتی دستمزد بازیگران صدها برابر بیشتر شده، بنابراین می‌توانم بگویم این رقم مشکوک و بیمار است و مبتنی بر اقتصاد سالمی نیست که دوستان آن را کمپانی می‌نامند.

این فیلمساز افزود: ما در طول سال ۴ تا 5 فیلم پُرفروش داریم که سه تای آن‌ها سرمایه‌گذار مشترک دارند. این سینما به یک سینمای نازل و یک وجهی تبدیل شده که سلیقه مخاطبش را هم نازل می‌کند. پس این اسمش استقبال یا رونق نیست؛ این نوعی انحطاط است که در سینمای ما در حال شکل‌گیری است.

قادری بیان کرد: شاید بخش‌هایی از سینمای اجتماعی مانند «فسیل» و «نان، عشق، موتور 1000» خودش را در شکل کمدی بازتولید می‌کند. در این سال‌ها کمدی در واقع نقد اجتماعی به همراه خود دارد. من فکر می‌کنم در این سال‌ها فیلم‌های کمدی و اجتماعی بهتر با استقبال مردم روبرو شده‌اند؛ یعنی فیلم‌هایی که کمتر فروخته‌اند، ضعیف‌تر بودند.

در ادامه نبوی اظهار کرد: اگر وضعیت سه تا چهار سال گذشته را از فروش چند فیلم محدود بررسی کنیم و آن را مولفه‌ای مثبت برای حیات سینما تلقی کنیم، پس باید این سوال را بپرسیم که چرا سینما از منظر مسئولان و خانواده سینما مورد انتقاد است؟

قادری خاطرنشان کرد: فکر نمی‌کنید دهه ۸۰ دهه طلایی سینمایی ایران است؟

نبوی بیان کرد: من دهه ۶۰ تا اوایل ۸۰ را دوران خوبی می‌دانم نه اینکه مطلقا قابل دفاع باشد اما قابل قبول است چه در مدیریت سینمایی و چه مدیریت دولتی و خصوصی. اما سیاست‌های آن دوره قابل استفاده برای ما نیست چراکه تغییرات جدی در حکمرانی ایران و جهانی شکل گرفته است. شیوه‌های مدیریتی انوار و بهشتی در روزگار خودشان جواب می‌داد چراکه سینما در جامعه مذهبی مورد پذیرش نبود اما آن‌ها سینما را برای توده مردم می‌ساختند. حتی نوع نگاه به مذهب هم این روزها تغییر کرده است.

ابوالحسن داودی تصریح کرد: زمانی که این آکندگی مذهب و سیاست وجود دارد بیشتر مردم نسبت به سیاست واکنش دارند. الان حتی کسانی که به شکل آشکار به مسایل ضدمذهبی تظاهر می‌کنند، ممکن است به مذهب برگردند. در واقع منظور من این است که در حال حاضر افراد برای اعتراض به سیاستی که به نفع خودشان نیست، به مذهب اشاره می‌کنند.

**آینده سینمای ایران متعلق به سینمای زیرزمینی است**

محمد حمزه‌ای نیز بیان کرد: این لجبازی بین مردم است که حتی اگر قلبا اعتقاد داشته باشند اما در ظاهر همراهی نمی‌کنند. ما دین را معادل ایدئولوژی در نظر گرفتیم و این آسیب‌زا بود. من معتقدم که بخش بزرگی از این نارضایتی همه از سینما به علت نظارت است و منِ سینماگر نمی‌توانم به فرم دلخواهم برسم و آنچه می‌خواهم بگویم. الان سازمان سینمایی مانند پدری است که با وجود اینکه فرزندش مستقل شده، همچنان به کنترلش ادامه می‌دهد. من اعتقاد دارم اگر در بلندمدت با سینماگر توافق نکنند، سینما از این چیزی که هست رهاتر می‌شود. یک طیف تازه فیلمساز و سینماگر در حال حاضر آماده به کار هستند که ابزار کار را دارند و کنترل‌پذیر هم نیستند. من معتقدم اگر چند سال آینده سیستم نظارتی شکل تعامل را تغییر ندهد چیزی به اسم نظارت از بین خواهد رفت و عملا چیزی تحت عنوان سینمایی که مدنظر دوستان است، باقی نمی‌ماند و فیلم مد نظر سیستم دولتی تولید می‌شود که عده خاصی آن را دوست خواهند داشت. تولید در سینما الان به قدری گران است که یا باید در چارچوب کار کنم یا آنچه را که می‌خواهم بسازم، ببوسم و کنار بگذارم.

ابوالحسن داودی نیز عنوان کرد: به نظر من آینده سینمای ایران متعلق به سینمای زیرزمینی است که با تساعد هندسی در حال رشد است و هیچ کدام از دولت‌ها امکان و ابزار رویارویی با آن را ندارند. این تضادها گنده‌تر از اداره نظارت و حذف پروانه ساخت است. من تفاوت زیادی بین رویکرد دولت‌ها می‌بینم. دولت قبل برنامه‌ریزی آشکار داشت و هیچ ترسی نداشت که آن را مطرح کند. سینمای مطلوب دوره قبل رونق سینماداران بود و فکر می‌کردند اگر ۴ فیلم فروخته است، پس سینما رونق پیدا کرده و تعادل ۴۰ ساله سینمای ایران به راحتی در این دوره شکست. برای همین «فسیل» فیلمی است که به دستور مستقیم وزیر ارشاد یک سال در اکران ماند تا به رقم 300 میلیارد برسد. الان تنها گونه‌ای که می‌تواند یک منفعت نسبی کسب کند، کمدی است.

وی ادامه داد: بسیاری از فیلم‌ها محصول غلبه تفکر سینمای زیرزمینی است و هر ساله تعداد این فیلم‌ها در حال افزایش حتی اگر خلاف قوانین و بی‌حجاب ساخته شده باشند. فیلمی که ایران امسال به صورت رسمی به اسکار معرفی کرد، پذیرفته نشد اما از سوی دیگر 2 فیلم از سینمای زیرزمینی ایران از 2 کشور جزو منتخبان اسکار قرار می‌گیرند. ممکن است ممنوعه بودن شرایط فیلم به دیده شدنش کمک کند و این یک سواستفاده سیاسی است. سینمای آینده نمی‌تواند خودش را در قید و بند شرایط الان نگه دارد. به عنوان مثال الان دوستان در شورای پروانه ساخت بسیار راحت‌تر از گذشته برخورد می‌کنند اما به هر حال شیوه، شیوه کهنه‌ای است. اگر نگاه‌های دولتی و حاکمیتی با شرایط معقول جامعه همسو نشوند، سینمای ایران مانند بسیاری از مسایل دیگر در جامعه تغییر شکل خواهد داد و از نوع تحت نظارت قرار گرفتن دولت خارج خواهد شد.

**نمی‌توان در شرایط امروز انتظار داشت که سیاست راهبری همپا یا جلوتر از جامعه باشد**

امیر قادری در ادامه گفت: من اخبار داخل و خارج ایران را زیاد دنبال می‌کنم و اکنون نشانه‌ای از کم‌رونق‌تر شدن سینما وجود دارد اما با این وجود استقبال ایرانیان از سینما بسیار بالاست و گروه‌های مردم برای تماشای فیلم‌ها به سینما می‌روند‌. البته فکر می‌کنم نظر شما بیشتر ناظر بر وضعیت کنونی سینما است.

سپس اکبر نبوی عنوان کرد: من به سنت‌های متکثر توجه می‌کنم نه صرفا اجتماعی. این مساله وجود دارد که شیوه‌ها و بازیگران حکمرانی در دنیا تغییر کرده است. در جریان ۷ اکتبر و طوفان الاقصی، جریان مسلط رسانه در تمام دنیا تلاشش را کرد که در حداقل ممکن اخبارش منتشر شود اما بازیگران جدید نشان دادند که می‌توانند جریان مسلط را غافلگیر کنند. امروز دیگر رسانه، بازیگر مسلط نیست. ما از زمان رسانه‌های گروهی به رسانه‌های جهانی رسیدیم. اکنون در مرحله انسان رسانه هستیم و هر فرد خودش می‌تواند یک رسانه باشد. من معتقدم نه مسئولان و نه ما متوجه نیستیم که سمت و سوی این سینما تولیدش نیست بلکه جایگاهش در جامعه است.

ابوالحسن داودی گفت: سیستم دولتی یک جریان کارمندی است و اینکه ما انتظار داشته باشیم با شرایط روز جامعه حرکت کند، بسیار بیهوده‌ است‌. با نگاهی به گذشته می‌توان دریافت که جامعه چه زمان، نوار کاست را پذیرفت و حاکمیت چه زمان؟ جامعه چه زمان ویدئو را پذیرفت و حاکمیت چه زمان آن را پذیرفت؟ وقتی شما به شیوه‌های برخورد با این پدیده‌ها نگاه می‌کنید، حتی فراتر از طنز است. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که سیاست راهبری همپا یا جلوتر از جامعه باشد. شرایط امروز و آنچه که در این ۴ دهه بر ما گذشته است، امکان این را ندارد که ما به آگاهی در سطح مدیریت دولتی برسیم که مدیریت دولتی یک پله بالاتر از جامعه بایستد.

نبوی عنوان کرد: بسیاری از آقایان نمی‌توانند واقعيت‌ها را بپذیرند اما شرایط جدید ناگزیر خود را تحمیل می‌کند، مانند ماهواره.

داودی تصریح کرد: ما یک دوره در سال ۷۶ با آقای نبوی در خانه سینما بودیم و تازه زمان ورود موبایل به ایران بود. نزدیک 2 تا ۳ ماه مکاتبه کردیم و با کلی زحمت و قرارداد و تعهد از اداره مخابرات بالاخره یک‌گوشی موبایل به ما اجاره دادند. همین‌ نمونه را شما در دوره‌های مختلف هم‌ مشاهده می‌کنید به همین دلیل می‌گویم که شما هرگز نمی‌توانید این شیوه مدیریت را اصلاح کنید.

در ادامه محمد حمزه‌ای بیان کرد: درواقع تکنولوژی خودش را تحمیل می‌کند و درنتیجه دولت ناگزیر به پذیرش آن است. اکنون فیلمسازانی هستند که هیچ نیازی به سیستم‌ حمایتی در کشور ندارند و برخی فیلمسازان هستند که کارشان نسبت به سینمای حرفه‌ای و بدنه حیرت‌انگیز است. این افراد منتظر روزنه‌ای هستند که خودشان را مطرح کنند. روزی با آقای حیدریان جلسه داشتیم و من از وضعیت تهیه‌کنندگی در ایران گلایه کردم که چرا من به عنوان فیلمساز همه کارهای پروژه را انجام می‌دهم اما تهیه‌کننده تصمیم‌گیرنده می‌شود؟ اکنون سینمای زیرزمینی بسیار جدی است و ما نمی‌توانیم تا آخر عمر باب گفتگو را ببندیم.

داودی گفت: همین چند ماه پیش من داور جشنواره فیلم کوتاه تهران بودم و کارهایی دیدم که حیرت کردم. چیزی که برای من حیرت‌انگیز بود این بود که از مکان‌هایی مانند زابل، خاش و تربت جام و... فیلم‌های بسیار باکیفیتی ارسال می‌شد. من همان زمان به مسئول انجمن سینمای جوان گفتم اگر به این نسل جوان میدان ندهید، این نسل به جریان شورشی تبدیل خواهد شد که تمام شما را به تصرف خودش درمی‌آورد.

قادری گفت: اکنون ۷۰ درصد فیلم‌ها استاندارد لازم را دارند و بالا آمدن از بین این تعداد فیلم متوسط سخت است. امسال در جشنواره فیلم کوتاه تهران من فیلم‌های زیادی دیدم که از حد متوسط بالاتر بودند.

محمد حمزه‌ای عنوان کرد: سال گذشته بنیاد فارابی المپیاد فیلمسازی برگزار کرد و من ابتدا تردید داشتم که به بچه‌های ۱۲\_۱۳ ساله باید چه چیزی آموزش دهم. باعث تعجبم بود که نوجوانانی که اهل شهرستان‌ها‌ی مختلف بودند، کاملا به‌روز بودند زیرا امروزه فضا برایشان فراهم است.

**پلتفرم‌ها درحال فروپاشی هستند اما آثار آن قطعا در سینما مشاهده خواهد شد**

امیر قادری بیان کرد: از طرف دیگر پلتفرم‌ها به معنای خاص در اختیار دولت نبودند، ممیزی کمتری داشتند و با جامعه همسوتر بودند. چه اتفاقی باعث شد که باز هم ناموفق باشند؟

داودی پاسخ داد: شکل گرفتن پلتفرم‌ها در چند سال اخیر کاملا در نظر همه ما بوده است و ما ناظر آن بودیم. من به عنوان یک فیلمساز به این مساله امیدوار بودم و حس می‌کردم کمک می‌کند که نگاه محدودکننده دولتی خودش را اصلاح کند و پلتفرم‌ها و اکران آنلاین با سینما می‌توانند مکمل هم باشند. اتفاقی که رخ داد این بود که نهاد و جریانی که پلتفرم‌ها را شکل و گسترش داد از ابتدا مشکل داشت. یعنی پلتفرم‌ها به جای اینکه با مردم تعامل داشته باشند، سرمايه‌هایی واردشان شد که مشکوک و مبهم بودند.‌ نهادهای قدرت، امنیتی و... وارد این رسانه‌ها شدند و جریان را به سمتی پیش بردند که اکنون نه‌ تنها کمک حال سینما نیستند بلکه به شدت سینما را غارت می‌کنند.

وی ادامه داد: سینمای ایران پس از انقلاب با همکاری دولت از صفر شروع کرد و بازیگر و عوامل فنی پرورش داد. پلتفرم مانند یک مهمان ناخوانده به صورت رایگان از این دستاوردها استفاده می‌کند یعنی اکنون تمام بازیگران، عوامل فنی و تجهیزات را در اختیار گرفته‌اند. به طور مثال من ۷ سال پیش به یک بازیگر ۸۰ میلیون دستمزد دادم و دستمزد آن فرد اکنون ماهی ۵ میلیارد تومان شده است. این جهش با تعریف هیچ اقتصاد سلامتی منطقی نیست. من در این ۷ سال هنوز نتوانسته‌ام فیلم دلخواه خودم را بسازم و این مساله صرفا به سرمايه بستگی ندارد. من‌ اکنون دیگر حاضر نیستم که هر فیلمی بسازم و اگر قرار باشد کمدی هم بسازم دوست دارم کمدی خودم را بسازم. پلتفرم‌ها با بازیگران قرارداد چندساله می‌بندد که فقط با تولیدات خودشان کار کنند. تولیداتی که حتی به سرمایه اولیه خودشان هم دست پیدا نمی‌کنند. سوال اینجاست که این سرمایه چگونه خودش را تامین می‌کند؟

سپس محمد حمزه‌ای بیان کرد: در اواخر دهه ۸۰ تولیدات ما به سریال و سینما خلاصه می‌شد و در این میان تله فیلم‌ها به وجود آمدند و اهالی سینما و تلویزیون برای امرار معاش وارد حوزه تله فیلم شدند تا پولی دربیاورند.‌ شرایط تولید تله فیلم به گونه‌ای شد که تقریبا غالب شد و این سیستم علیه خودش اقدام کرد.‌ یعنی تله فیلم سطحی از کیفیت را زیرسوال برده بود که هنرمندان حاضر به کار کردن در تله فیلم‌ نبودند.

داوودی تصریح کرد: هر فروپاشی که رخ می‌دهد تبعاتش اطراف را هم دربر می‌گیرد. پلتفرم‌ها درحال فروپاشی هستند اما آثار بدش قطعا در سینما مشاهده خواهد شد. قطعا ما نمی‌توانیم نرخ برخی بازیگران را پایین‌تر بیاوریم.

امیر قادری عنوان کرد: درباره پلتفرم‌ها چند ابهام وجود دارد که یکی از آن‌ها این است که در دنیا پلتفرم‌ها با تعدد تولید چرخ خودشان را می‌چرخانند. وقتی همچنان تعداد تولید سریال تا این حد پایین است منطقی نیست که در این شرایط ورشکستگی ادامه بدهند. اکنون از آثار برخی پلتفرم‌ها استقبال نمی‌شود اما همچنان کار می‌کنند و این یکی از نقاط مبهم پلتفرم‌ها است.

**سینمای ایران باید از انحصار فکری خارج شود**

وی در بخش پایانی این نشست بیان کرد: این سوال را از همه دوستان دارم که اگر بخواهید به آقای فریدزاده یک توصیه ضروری داشته باشید، چیست؟

اکبر نبوی پاسخ داد: من به او می‌گویم که خیلی خودت را درگیر امروز نکن و به فردا نگاه کن زیرا فردا چالش‌های جدیدی به وجود می‌آید که باید برای مواجهه با آن‌ها آماده بود. این را هم‌ بگویم که قرار نیست پلتفرم جای سینما را بگیرد. اما در ایران به دلیل درهم ریختگی سازمانی پلتفرم‌ها این شرایط را پیدا کرده اند.‌ بخش مهم وضعیت امروز پلتفرم‌ها خانواده سینما هستند که به این مناسبات تن می‌دهند. این ها هستند که انواع و اقسام درهم ریختگی اقتصادی را به سینما تحمیل می کنند.

قادری گفت: پس در اینجا با آقای داوودی هم نظر هستید که پلتفرم‌ها نه تنها به وضعیت سینما کمکی نکرده بلکه در درهم ریختگی آن هم سهم داشته است. اگر بنده مناسبات کلان اقتصاد سینما را بدانم و بدانیم و منافع شخصی خود را در منافع جمعی تلقی کنیم آن موقع بُرد خواهیم کرد.

داودی مطرح کرد: این قضیه بدون این است که ما شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه را نگاه کنیم. در همه عرصه‌ها به شرایطی رسیدیم که بی‌اخلاقی به کل جامعه حاکم شده و به فضیلت تبدیل شده است. اگر یک زمانی در یک جامعه‌ای ساعت 3 شب سر چهارراه رفتید و دوربین نداشت و همه توقف کردند، باید بدانید که نظم و مسئولیت در آن جامعه جاری است و در غیر این صورت چنین چیزی تقصیر خانواده سینما نیست. ما درباره بدنه عام جامعه و سینما صحبت می‌کنیم و همه آسیب‌پذیر هستند و با شرایط جامعه باید تعریف و قضاوت شوند. در دوران کرونا پلتفرم‌ها چه خواسته و چه ناخواسته عملا کمک بزرگی به خانواده سینما کردند. از طرف دیگر شرایط طلبکاری که پیش آمد وضعیت امروز ما را پیش آورد.

اکبر نبوی بیان کرد: اینکه دگرخواهی کم‌رنگ می‌شود و خودخواهی افزایش پیدا می‌کند را قبول دارم. مقطع کوتاه کرونا که بسیاری از اهالی خانه سینما گرفتار تنگنای معیشتی بودند و پلتفرم به کمک آمدم، قبول دارم اما اگر قرار است به فکر سینما باشیم، نباید به مناسباتی تن دهیم که به یک اصل کلی آسیب بزند.

ابوالحسن داودی توضیح داد: دولت‌ها به شکلی اقتدار خود را از دست داده‌اند و من نسبت به اینکه بتوانند کاری تاثیرگذار انجام دهند، چشم‌انداز روشنی نمی‌بینم. با نگاه آقای نبوی بیشتر موافقم که دوستان سعی کنند بفهمند این سرنوشتی که در انتظارشان است چگونه قرارست رقم زده شود و با همه این احتمالات که در سطح جامعه است، چگونه خواهد بود. دیدن این وضعیت و توجه و فکر کردن به این که چگونه می‌توان سازمان داد و وارد تعامل شد، کار بسیار سخت ولی لازم است.

محمد حمزه‌ای نیز گفت: آقای فریدزاده از آنجا که جوان هستند باید سینمای ایران را از انحصار فکری خارج کنند و باید از طیف جوان و سرزنده‌ای که در بدنه و زیرمتن سینما است، کمک بگیرند.

داودی در پایان درباره خانه سینما و مشکل بزرگ آن خاطرنشان کرد: خانه سینما به عنوان یک نهاد صنفی از ابتدا برخلاف تمام نهادهای صنفی دنیا به عنوان یک هرم به جای اینکه از قاعده شکل بگیرد از سر شکل گرفته است و به نوعی دولت‌ساخته است.

انتهای پیام/